

www.ketab.ir

جنس ضعیف

نویسنده: اوریانا فالاجی
مترجم: شبنم سلطان پور

The Useless Sex
by Oriana Fallaci

www.ketab.ir

سرشناسه: فالاجی، اوریانا، ۱۹۳۱-۲۰۰۶ م. Fallaci, Oriana
عنوان و نام پدیدآور: جنس ضعیف/ نویسنده اوریانا فالاجی؛ مترجم شبنم سلطانپور.
مشخصات نشر: قزوین: آرزومیدخت، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۲۳۲ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۴۲-۱۸-۹
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتاب حاضر از متن انگلیسی با عنوان The useless sex به فارسی برگردانده شده است.
موضوع: زنان -- تاریخ
Women -- History
شناسه افزوده: سلطان پور، شبنم، ۱۳۷۶-، مترجم
رده بندی کنگره: HQ۱۱۵۴
رده بندی دیویی: ۳۰۱/۴۲۴۲
شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۲۶۰۹۱



انتشارات آذر میدخت

جنس ضعیف

نویسنده: اوریانا فالآچی

مترجم: شبنم سلطان پور

نوبت چاپ: چهارم - تابستان ۱۴۰۰

چاپ: آریا

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

www.ketab.ir



مرکز پخش

مدرس، سینای شمالی، پلاک ۸۴

۰۲۵ ۳۶۶۷ ۴۵۷۲

۰۲۵ ۳۶۶۵ ۱۳۴۰

۰۹۱۲ ۱۵۳ ۹۱۱۲

Azarmidokhtpub.ir

Book.pars@yahoo.com

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.
شابک: ۹-۱۸-۶۲۴۲-۶۲۲-۹۷۸

پیشگفتار

تابستان بود که ویراستار روزنامه ام پرسید آیا مایلم سفری به دور جهان داشته باشم و بیشترِ زمانم را در شرق بگذرانم. البته توضیح داد که باید تا پایان یافتن فصل موسمی صبر می‌کردم؛ به عبارت دیگر باید در زمستان راه می‌افتادم. عبارت فصل موسمی همیشه گیراست، مثل این که بگویی: "همان طور که دوک نورفولک^۱ داشت برایم تعریف می‌کرد... "یا "نمی‌دانم با آن رستوران کوچک در خیابان چکودر لنینگراد آشنایی دارید یا نه..." حتی روزنامه‌نگاری که به بازدید از سرزمین‌های دور خو گرفته و هیچ تصویری از این که هر سیاحتی تا چه حد می‌تواند استثنایی باشد ندارد، با این پیشنهاد تحت تأثیر قرار می‌گیرد و نظرش جلب می‌شود.

پاسخ دادم: "چرا که نه؟ از من می‌خواهید در شرق چه کاری انجام دهم؟" موضوعی که پیش کشید این بود که من می‌بایست گزارشی از وضعیت زنان تهیه کنم. در این نقطه، عبارت فصل موسمی گیرایی اش را از دست داد.

من تا جایی که برایم مقدور باشد، همیشه از نوشتن در مورد زنان یا مسائلی که مربوط به آنهاست اجتناب می‌کنم. نمی‌دانم چرا؛ ولی حتی فکرش هم حالم را به هم می‌زند. به نظرم خیلی مسخره است، زنان یک گونه خاص جانوری نیستند و نمی‌توانم بفهمم که چرا همیشه در روزنامه‌ها به

1. duke of Norfolk

عنوان یک موضوع مجزا مانند ورزش، سیاست و پیش بینی وضع آب و هوا مطرح می شوند. خدای متعال مردان و زنان را آفریده تا با یکدیگر زندگی کنند و برخلاف چیزی که آدم های احمق می گویند، می توانند کاملاً با هم سازگار باشند. من این مسئله که زنان همیشه باید مراعات شوند را کاملاً بی معنی می دانم. مگر آنها روی یک سیاره دیگر زندگی می کنند و نوع بشر با لقاح مصنوعی تکثیر می شود؟ چیزی که یک مرد را جذب می کند می تواند برای یک زن هم جاذبه داشته باشد. من مردانی را می شناسم (کاملاً معمولی، به شما قول می دهم) که مجله هارپرز بازار را می خوانند و زنانی (کاملاً معمولی، به شما قول می دهم) که قسمت «رهبر» را در تایمز دنبال می کنند، اما این موضوع آنها را ذره ای ابله جلوه نمی دهد. برای همین هم هر وقت کسی از من می پرسد "آیا مقاله هایی برای زنان می نویسی؟" یا "در مورد زنان می نویسی؟" به شدت عصبانی می شوم. ولی در این مورد شنیدن عبارت فصل موسمی معادلاتم را عوض کرد و باعث شد که به خودم مسلط باشم و تنها جوابی که دادم این بود: «در موردش فکر می کنم».

و بعد به پیشنهادش فکر کردم. ولی از آنجایی که به نفس گزارش اعتقادی نداشتم، ترجیح دادم که از فرصت دیدن باران های موسمی بگذرم. فی الواقع برای ماه های زیادی فکر می کردم که دیگر به آنجا نخواهم رفت. ولی بعد، اتفاق غیرمنتظره ای به وقوع پیوست. دختری که مدتی بود می شناختمش مرا به شام دعوت کرد و در میانه شام با اظهار به این که چقدر از زندگی اش ناراضی است، غرق در اشک شد. او دختر جوان و بسیار موفقی بود - مستقل، زیبا، صاحب خانه ای از آن خودش که می توانست در آن هر کاری بکند و دارای شغلی که از بیشتر مردان بهتر انجامش می داد؛ خلاصه او از آن دخترهایی بود که به زعم مردم خوش شانس هستند و هر آن چیزی که آرزوی یک زن است را دارند.